

دستور جلسه:

مقدمه‌ای بر رویکرد دینی به سلامت - دکتر کامران باقری لنکرانی، عضو پیوسته و رئیس گروه ارتقاء سلامت فرهنگستان علوم پزشکی

رئوس نتایج و توصیه‌های قابل اجرا:

در جلسه فروردین ماه گروه ارتقاء سلامت، جناب آقای دکتر کامران باقری لنکرانی، سخنرانی خود را با عنوان «مقدمه‌ای بر رویکرد دینی به سلامت» به شرح زیر ارائه نمودند:

طب اسلامی عنوانی است که برخی دنبال می‌کنند. استدلال آن‌هایی که مطالبی در مورد طب اسلامی نوشته‌اند، این است که بر اساس احادیث علم دو گونه است: علم ادیان و علم بدن‌ها. مقدمه بعدی که مطرح کرده‌اند این است که خداوند متعال در قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم فرموده است که: وقتی من مریض می‌شوم خدا است که مرا شفا می‌دهد. بنابراین به این نتیجه رسیده‌اند که طب باید طب اسلامی باشد و طب اسلامی ارتباط دقیق و جامع مادیات و معنویت موجود را فراهم می‌کند و راه رستگاری و رسیدن به سلامت، منحصر به این روش است.

در احادیث از جمله در سفارش‌های پیامبر اعظم به جناب ابذر دو نعمت هست که مردم فراموش می‌کنند: سلامتی و فراغت؛ انسان باید به سلامتی قبل از بیماری توجه کند و آن را مغتنم شمارد. پس اهمیت سلامت موضوعی است که در دین هم بر آن تاکید شده است اما آیا اصولاً دین اسلام آمده است که طب اسلامی را بیان کند؟ مرحوم آیت الله مصباح یزدی در همین زمینه می‌فرمودند که مرتبه و شأن پیامبر بیان مطالب طبی و فیزیکی نبوده است؛ بلکه شأن اصلی دین، هدایت می‌باشد؛ اگر در جایی هم در مورد نیازهای مادی نکته‌ای را فرموده‌اند از باب اصل دین نبوده بلکه از باب مصالح و از روی تفضل و کمک به مردم بوده است. به تعبیر ایشان اگر احادیث مربوط به طب را از متن دین حذف کنیم نقصی در انجام وظایف پیامبری نیست؛ بنابراین ما از دین نباید توقع استخراج طب داشته باشیم.

اما یکسری حوزه‌های مرتبط با سلامت در معارف دین وجود دارد که ما کمتر به اینها توجه می‌کنیم، مطالبی مانند: چیستی مرگ و زندگی و بیماری؛ ارتباط ظاهر دنیا با آخرت؛ فلسفه طبابت؛ حقوق بیمار، حقوق طبیب، حقوق جامعه؛ حفظ سلامت به مثابه تکلیف/مبانی دینی خودمراقبتی/ سبک زندگی؛ اخلاق حرفه‌ای. در این موارد ما باید از معارف دینی حتماً استفاده کنیم. طب متداول در مورد موارد زیر کاستی‌هایی دارد: ارتباط نفس/روح / بدن؛ چیستی واقعیت/خیال؛ نقش تلقین؛ اخلاق حقیقی نه تجویزی؛ حقوق مردم؛ فلسفه طبابت؛ چیستی بیماری و مرگ.

پیامبر اعظم در حدیثی فرمودند که هرگاه بیمار شدید، به دنبال دارو و درمان بروید. به تعبیر علما اینجا استثنا نکردند که حتی سراغ طبیب مسلمان بروید. البته استثنائاتی وجود دارد که مثلاً از حرام شفا نخواهید. اما درمان و دارو را در یک گستره وسیع مورد توجه قرار داده‌اند و وظیفه بیمار را تلاش برای درمان خود دانسته‌اند.

اما در یک نگاه عمیق‌تر که اصولاً بیماری و مرگ چگونه حادث می‌شوند و رابطه نفس و روح و بدن در این قضیه چیست، احتیاج به یک نگاه فلسفی است. آیت الله دکتر احمد بهشتی اصطلاحی را مطرح فرمودند تحت عنوان طب متعالی. ایشان معتقدند که ما سه نوع طب: متسافل، متوسط و متعالی داریم. طب متسافل به سراغ جن‌گیرها و دعا نویس‌ها و شیادان دوره گرد می‌رود. طب متوسط مستقیماً به سراغ بدن می‌رود و از حال نفس غافل است. طب رایج چه طب معمول و چه طبی که به عنوان طب سنتی مطرح می‌شود اغلب چنین است. اما طب متعالی به کمک نفس می‌شتابد تا کار خود را به خوبی انجام دهد و سلامت را به بدن باز گرداند. مداوا کردن، شیوه عقلانی و شرعی است. مداوا کردن از طرق نامتعارف (مانند توسل به طلسم و

جادو و اجنه و روی آوردن به چیزهای نجس و پلید که عقلاً و شرعاً حرام و ناپسند است) ممنوع می‌باشد. اما طب متعالی به رابطه بین نفس و روح و بدن توجه دارد. از نظر این نوع طب:

- نفس مدیر و مدبر بدن است و باید از او برای تدبیر و مدیریت بیماری استعانت جست.
- بر قوت و قاهریت نفس تکیه دارد.
- فاعل حقیقی درمان بیماری‌ها و عامل مرگ طبیعی خود نفس است.
- تا زمانی که نفس به بدن نیاز دارد، در مراقبت و محافظت و تدبیر و تعدیل آن می‌کوشد.
- هر گاه از آن خود را بی‌نیاز ببیند، رهاش می‌کند و از این جهان رهسپار عالم دیگر می‌شود.
- دعا و دوا و صدقه به نفس کمک می‌کند که بدن را درمان کند و این در صورتی است که ناتوان باشد.

آن چیزی که امروزه تحت عنوان طب سنتی و طب اسلامی مطرح می‌شود، در واقع طب دوره تمدن اسلامی است و شکل‌گیری آن با محوریت طب جندی شاپور بوده است. جندی شاپور در واقع حلقه اتصال چند مکتب طبی است و طب شرقی هندی و طب یونانی را به مبانی طبی ایرانیان باستان اضافه می‌کند. این طب بعد از اسلام نیز با همت اطباء مسلمان ارتقا پیدا می‌کند و نگاه دینی و فلسفی هم به آن اضافه می‌شود. بیشتر اطباء هزاره اول بعد از اسلام فیلسوف هم بوده‌اند. اما رهیافت‌های طب دوره تمدن اسلامی ممکن است ابطال پذیر باشد و مقدس نیست. بنابراین این مسئله با امور و حیانی متفاوت است. ما باید احتمال دهیم که ممکن است در بررسی مطالب و تحقیق میراث گذشتگان، مطالبی یافت شود که امروز برای ما مفید باشد. این معنایش ابطال طب جدید نیست بلکه معنای آن این است که در کنار طب جدید، میراث گذشتگان نیز به کار گرفته شود.

باید توجه داشت همین طب سنتی یا طب دوره تمدن اسلامی با آسیب‌ها و چالش‌هایی روبروست. از جمله چالش‌های رویکردی در طب سنتی می‌توان به این موارد اشاره داشت: رویکرد انکار و حتی تهاجم به طب متداول؛ رویکرد مقلدانه نسبت به گذشتگان؛ رویکرد سطحی به میراث به جای مانده و بی‌توجهی به ظرایف و دقایق؛ رویکرد فن محورانه و تاکید بیش از حد بر فنونی چون حجامت؛ رویکرد ایجاد نیاز القایی و کسب ثروت.

تاریخ و موضوع جلسه بعدی:

۱. ۲۸ اردیبهشت ماه - چالش‌ها و راهکارهای مشارکت جامعه در تامین، حفظ و ارتقاء سلامت

تهیه کننده: مهدی میلاد

